



امان الله قرایی مقدم / جامعه شناس و استاد دانشگاه
اودرباره تاثیر رواداری بر توسعه نوشته است



رواداری شاخص توسعه یافتگی

➔ **رواداری یک مفهوم فرهنگی است و وقتی از مفهومی مانند رواداری صحبت می کنیم در واقع وارد فرهنگ می شویم چون فرهنگ تمام ابعاد و ایای شخصیتی، سبک زندگی، روح و روان، فکر، آینده نگری، بینش، طرز تفکر، خواسته ها و امیال را تشکیل می دهد. از دیدگاه فرهنگ شناسانی چون ادوارد بارنت تایلور، جیمز جورج فریزر، برانیسلاف مالینوفسکی، مارگارت مید و فلورانس گلاک هورن این فرهنگ است که می گوید چیزی روا و قابل قبول یا زشت و غیر قابل قبول است. هر فرهنگ و خرده فرهنگی، چیزی را جایز می داند و می پذیرد و چیز دیگری را نمی پذیرد؛ پس رواداری بستگی به نوع فرهنگ و خرده فرهنگ های هر جامعه دارد و تعریف و مرزهای رواداری را فرهنگ تعیین می کند.**

وقتی می گوئیم چیزی رواست، یعنی ساری و جاری است. یعنی مردم به آن عمل می کنند؛ پس رواداری یعنی یک پدیده فرهنگی که درون هر جامعه و خرده فرهنگی قابل قبول است و رفتار و کردار و سبک زندگی افراد را شکل می دهد و به صورت یک هنجار شناخته می شود. مثلاً آنچه در خرده فرهنگ آذربایجان شرقی به عنوان رواداری اعتبار دارد، می تواند در ابهر و زنجان و کردستان حائز چنین تعریفی نباشد. آنچه در خوزستان وجود دارد در ایلام وجود ندارد. این رواداری به مرور زمان شکل می گیرد. حال باید تأثیرات اقلیمی که افراد در آن بزرگ شده و تحت تأثیر آن قرار گرفته اند و فکر و ذهن و رفتارشان را شکل داده و به نسل های بعد منتقل شده بررسی کرد. در نتیجه، رواداری یعنی قبول کردن، پذیرفتن و اعتبار دادن.

تأثیر رواداری در افزایش همزیستی و کاهش تنش ها بسیار زیاد است. باید توجه داشت که اگر رواداری به صورت درون گروهی و خرده فرهنگی به حد افراط برسد به خودمداری یا قوم مداری منجر و موجب تفرق و پراکندگی جامعه می شود.

اگر یک اقلیم بر تعصب خود تأکید کند، به ستیزه و نزاع می رسد، اصولاً تعصب بر عدم رواداری در سطح خرده فرهنگ، به واگرایی و تضاد و جنگ منجر می شود. بنابراین تمام جوامع کوشش می کنند (همانند کشور ما در ۹۰۰۰ سال تاریخ خودش) که این روداری را عمومی و پایدار نگه داشته و از تضاد درون گروهی و نزاع و جنگ جلوگیری کنند. اگر قرار باشد که هرکس بگوید حرف من و آنچه من روا و مصلحت می دانم درست است و برای شما غلط است، به تکه پاره شدن جامعه منجر می شود. همه کشورها بیشترین تلاش و سعی را می کنند تا عقاید را به انواع مختلف، از دگماتیسم فکری مصون نگه دارند. رواداری یعنی پذیرفتن دیگران و آنها را مورد قبول قرار دادن.

رواداری و روامداری، همگرایی، تجانس فرهنگی، سرمایه اجتماعی و اتحاد را در جوامع بالا می برد و باعث می شود وقتی کشوری مورد هجوم قرار می گیرد، همه در یک جهت حرکت کنند، بنابراین تعصب بر درست بودن حرف خود درست نیست؛ درواقع تأکید بر رواداری درمورد افکار، عقاید و بخصوص ادیان و همه را به یک چشم نگاه کردن، از وظایف دولت هاست.

جوامع سنتی و سنت خواه اکثراً محافظه کارند؛ در این جوامع لایوشانی و مخالفت وجود دارد اما ابراز نمی شود. افراد در این جوامع منتظر فرصت مناسبی هستند تا مخالفت خود را ابراز کنند و ضربه خود را بزنند. اما در جوامعی که رواداری در آن حاکم است با افراد با اعتماد و احترام کامل رفتار می شود و نگرانی ای بابت ضربه زدن گروه ها به یکدیگر وجود ندارد چون عقاید در این جوامع قابل احترام است.

چنانکه حضرت علی (ع) در نامه ۵۲ به مالک اشتر فرمودند: «آن گونه با آنها رفتار کن که با تو رفتار می کنند.» از سوی دیگر، محافظه کاران رواداری را قبول ندارند و اگر آن را بپذیرند هم پذیرش آنها در دل نیست، محافظه کار سنت خواه است و برعکس جوامع روادار، خواستار رفتار طبق اصول گذشتگان و نظر ریش سفیدان است.

ما باید بپذیریم اقوام و ادیان مختلف در ایران زندگی می کنند و نباید میان آنها فرق قائل شد. محافظه کار، دگماتیسم فکری و تعصب فکری دارد و همین تعصب خلاف روامداری است. برای مثال قتل ۷۰ دختر محصل در افغانستان که اخیراً خبرساز شد، نشانه محافظه کاری و جهل و تعصب است.

در کشور ما که در مسیر رومداری گام برداشته؛ در حال حاضر ۶۴ درصد جمعیت دانشجویان را دختران تشکیل می دهند. در محافظه کاری هرچه گذشتگان گفته اند درست است اما در رواداری عقل و منطق حاکم است، به قول سعدی که معتقد است انسان ها از یک گوهر

آفریده شده اند و باید از حق و حقوق یکسان برخوردار باشند.

توجه کنید که گاندی به دست یک متعصب هندو کشته شد. ماندا ۳۰ سال زندان را تحمل کرد تا بگوید بین سیاهپوستان و سفیدپوستان تفاوتی نیست و این همان سخنی است که سعدی ۷۰۰ سال قبل گفت و بر سر در سازمان ملل نقش بست.

در جامعه ما نظیر این افراد کم نیستند و از میان آنها می توان به ناصر خسرو، خوارزمی و... اشاره کرد.

باید بدانیم که مهم ترین فایده رواداری، شکوفایی استعدادها و خلاقیت هاست. وقتی روایی در جامعه جاری باشد استعدادها شکوفا می شود. چنانچه امروزه می بینید در جامعه ما بسیاری از متخصصان پزشکی و انرژی اتمی و سلول های بنیادی دخترانند در حالی که در گذشته می گفتند جایگاه زن در چارچوب آشپزخانه است.

رواداری باعث می شود جامعه اندیشمندانه تر فکر کند و به قول «ویلفردو پارتو»،

جامعه شناس ایتالیایی، باعث می شود نخبگان بالا بیایند. این اتفاق زمانی می افتد که جامعه روامدار باشد. جامعه ای که روامداری ندارد مثل آلمان نازی خواهد بود که هیتلر در آن اینشتین را فراری داد.

شکوفایی استعدادها، موجب توسعه یافتگی جوامع می گردد و مانع می شود که عواملی مانند جهل و تعصب باعث قتل دختران شود. اگر روامداری نبود مگر مریم میرزاخانی وجود داشت؟

آبراهام مازلو در هرم سلسله مراتب نیازهای انسانی خود می گوید: اولین نیاز، نیازهای جسمی و فیزیولوژیکی است. دومین نیاز، نیاز به امنیت است. سومین نیاز، نیاز به تعلق اجتماعی است.

چهارمین نیاز، نیاز به احترام و قدر و منزلت است اما نیاز پنجم، نیاز به خودیابی و شکوفایی استعدادهاست و اضافه می کند که انسان هر آنچه می تواند بشود، باید بشود و وقتی جامعه ای روایی داشته باشد، باید امکانات را فراهم کند تا این امر محقق شود.

به نظر من، بر اثر تغییر و تحولات جامعه، پیشرفت های علمی و فضای رسانه ای موجود، روامداری در جامعه در حال گسترش است و من رابطه ای مستقیم میان مدرنیسم و روامداری می بینم. گرچه ممکن است این روند کند باشد اما یک روند پیوسته و مداوم است که در حال پیشروی است.

در حال حاضر، شرایط نسبت به اوایل انقلاب خیلی بهتر است، آن تعصبات و جهالت ها امروزه توسط نسل جوان پذیرفته نمی شود.

روامداری در نسل جوان بسیار بیشتر از نسل قدیمی تر است. نسل جوان مسائل را بهتر و راحت تر می پذیرد و کمتر دچار تعصبات، جهل و خرافات و دگماتیسم فکری می شود، به همین دلیل، جوامع را به طور کلی می توان به دو دسته تقسیم کرد: هرچه جامعه ای پیشرفته تر و توسعه یافته تر باشد؛ روامداری در آن جاری تر است و برعکس؛ هرچه جامعه عقب مانده تر باشد، روامداری در آن کمتر است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که یکی از عناصر مهم توسعه یافتگی، روامداری است. از این نظر، می توانید ژاپن را با کره شمالی مقایسه کنید؛ یا کشور هند که عقب مانده محسوب می شد ولی امروزه در حال ورود به کشورهای گروه ۷ است.

کشور چین روایتیزی را کنار گذاشت و پیش رفت. یکی از عناصر توسعه یافتگی که با رشد و پیشرفت فرق دارد، رشد کمی است اما توسعه هم کمی است و هم کیفی. همین مسأله روامداری است. در جوامع توسعه یافته، هم عقل و فکر پیشرفت کرده، هم روامداری در آنها توسعه یافته و هم امکانات اقتصادی؛ پس می توان گفت که روامداری شاخص توسعه یافتگی و حرکت جامعه به سمت جلو است. ■